

دقیقاً از همون وقتی که قابیل زحمت کشتن برادرش هابیل رو کشید^۱ آدما به یه نکته جدیدی پی بردن. اونا فهمیدن که برای به دست آوردن چیزایی که دوششون دارن، دو تا راه هست:

۱. راه سخت؛

۲. راه آسون؛

راه سخت همون راهی که بیشتر مردم طی می کنن. یعنی «نابرده رنج گنج میسر نمی شود». اما راه آسون یه پیشنهاد خطرناک ولی زود بازده و سریعه. راه آسون به ما می گه شما لازم نیست خیلی تلاش کنی؛ کافیه اجازه بدی بقیه آدما سال ها زحمت بکشن و دقیقاً موقع بهره برداری، با کشتن اونا حاصل دسترنجشون رو مال خود کنی. پس قتل و تجاوز به حقوق دیگران به همون شدتی که توی راه اول نفی می شه، توی راه دوم پذیرفته می شه.

آروم آروم مسئله استثمار^۲ بقیه، از یه برادر کشی و موضوعات شخصی فراتر رفته و به یه سازمان اخلاقی و سلوک اجتماعی تبدیل شد. گروه هایی به وجود اومدن که هدف اصلی اونا سازماندهی نهادهای خاص برای چپاول دیگران بود. البته توی عهد باستان حالت ظاهری تشکله ها و سازمان ها مثل امروز نبود. یعنی دفتر، ساختمان اداری، تشکیل پرونده و رأی گیری و... نداشتن، بلکه صرفاً گروهی از مردم بودن که برای رسیدن به یه هدف مشترک کنار هم قرار می گرفتن و البته بدون شک قوانین داخلی خودشون رو داشتن. در مقابل این گروه های زیاده طلب و متجاوز، عکس العمل های مختلفی به وجود اومد. حتی بعضی مکتب های

هنری و فلسفی در اثر پاسخ مثبت و منفی به این تفکر خاص اجتماعی ایجاد شدن.

اما اون چیزی که برای ما مهم تره موضع عملی ادیان در برابر این جریان افزون طلبیه. به طور دقیق تر به این مسئله می پردازیم که یهودیت، مسیحیت و اسلام، چه موضعی برای مقابله یا تأیید گروه موردنظر داشتن.

دیدگاه یهود

همون طور که می دونین یهودیت مردم دنیا رو به دو گروه تقسیم می کنه: سفید و سیاه؛ قوم خدا و مشرکان.^۳ قوم خدا می شن بنی اسرائیل و مشرکان هم بقیه مردم دنیا. از نظر تورات و بقیه کتاب های عهد عتیق، هدف و آرزوی خدا به وجود اومدن یه نسل ویژه به نام بنی اسرائیل^۴. نسلی که خدا زمین و آسمون رو برای اونا آفریده. به نظر یهوه، بقیه مردم مثل درخت، خاک و مسائلی از این دست هستن که باید تو مسیر رشد بنی اسرائیل قرار بگیرن. پس به تفسیر اونا اساساً دیگران آدم نیستن، بلکه حیوانایی دو پا هستن که برای قوم خدا آفریده شدن!^۵

نتیجه طبیعی این دیدگاه اینه که یه یهودی می تونه برای رسیدن به اون چیزی که دلش می خواد مثل سرزمین، ثروت و... دست به کشتار آدمای دیگه یا همون حیوانای دو پا بزنه!

این تفکر یه سنت کاملاً جاافتاده توی تورات تحریف شده یهودی هاست. به طوری که قتل بچه های شیرخواره، حیوانات، زنان و هر موجود زنده ای برای تصاحب سرزمین مجاز شمرده می شه. تأسف برانگیز تر اینه که وقتی یه سرباز ترحم می کنه و از کشتن یه بچه یا یه حیوان منصرف می شه، مورد مؤاخذه فرمانده قرار می گیره. کتاب یوشع، با افتخار این جنایت ها رو نقل می کنه.^۶ یه بار دیگه توجه شما رو به این نکته جلب می کنم که هدف ما این نیست که بگیم همه یهودی ها چنین آدمایی هستن؛ ما فقط می خواهیم بگیم که توی کتاب مقدس یهود چنین باورهایی وجود داره و حتی به عنوان واقعه های تاریخی نقل شدن. مسلماً نفی این گونه اندیشه ها از طرف جامعه یهودیان معاصر، باعث خوشحالی ما هم هست.

یهودیت در طول تاریخ جز در دوره های خاصی مثل عصر یوشع، داوود، سلیمان، رجبام، یربعام، یهودا و مکابیان اقتدار سیاسی و نظامی خاصی نداشته تا بشه استمرار جنگ طلبی رو توی اونا مشاهده کرد.^۷

دیدگاه مسیحیت

البته مسیحیت معتقده که بزرگ ترین جنایت یهود، قتل عیسی با شکنجه های فراوان و نهایتاً میخکوب کردن اون روی صلیبه. اما مسیحیت که تو قرن اول زیر شکنجه یهودی ها بوده^۸ تلاش کرده تا اصل اخلاق رو جانشین اصل نژاد در آیین یهود بکنه. البته هیچ وقت هم نیومده جنایت هایی رو که توی تورات و مجموعه عهد قدیم به یهود نسبت داده می شن نفی و یا اصلاح کنه. تلاش مسیحیت این بوده که روز رو از نو شروع کنه و همه رو به تحمل همدیگه دعوت کنه. توی عهد جدید تأکید می شه که اگه کسی به صورت تو سیلی زد اون طرف صورتت رو هم براس آماده کن، نه اینکه انتقام بگیری.^۹ ولی در عمل



هیولای جنگ

عبدالله زنجانی

واقعیت چیز دیگه‌ای بود. پس از قرن چهارم که سیطره کلیسا در غرب شروع شد مسیحیان کاتولیک خیلی از هم‌کیشان خودشون رو به اسم منحرف و بدعت‌گذار کشتن و جنازه اونا رو سوزوندن. بعد از مدتی دادگاهی به اسم دادگاه تفتیش عقاید درست کردن که توی اون محکمه، مردم بیچاره به‌خاطر مخالفت با گوشه‌ای از اعتقادات کلیسای رم به اعدام محکوم می‌شدن. یکی از بدترین نمونه‌ها قتل دانشمندایی بود که نظرات علمی مخالف کلیسا داشتن و سزای همه اونا مرگ بود.^{۱۱} پس از گذشت چندین قرن و آغاز تحولات اصلاح دینی توی غرب، کشتار مسیحیان معترض توسط دستگاه پاپ جنبه عمومی پیدا کرد و حتی برخی از اونایی که کشته می‌شدن علمای دینی مسیحی بودن!^{۱۲}

وقتی تاریخ مسیحیت رو ورق می‌زنیم، حتی به مورد هم پیدا نمی‌کنیم که یه فرمانده مسیحی با یه یاد آوردن دستور عیسی درباره اینکه «اون طرف صورتت رو هم برای سیلی خوردن آماده کن» دست از جنگ کشیده باشه. جالبه بدونید بزرگ‌ترین جنگ‌های تاریخ میان مسیحیان و فرقه‌های مختلف مسیحی، اون هم با انگیزه‌های دینی و نژادی بوده. مثل دوتا جنگ جهانی گذشته، جنگ‌های حوزه بالکان، درگیری انگلیسی‌ها و ایرلندی‌ها و ...

دیدگاه اسلام

مسئله جنگ در اسلام هم وجود داره و بحث‌های مختلفی درباره اون شده، اما چند موضوع هست که جای تردید نداره:

۱. یه مسلمون در هر وضعیتی باید از حقوق مسلمون دیگه و هم‌پیمان اون دفاع کنه. توی تاریخ بارها شاهد این مسئله هستیم که مسلمونا حتی با غیر مسلمونا پیمان دفاعی بستن و از اونا در برابر دشمنانشون دفاع کردن.
۲. حتی یک مورد جنگ توی تاریخ اسلام صرفاً برای کشورگشایی یا فتح سرزمین اتفاق نیفتاده. بلکه هدف چیز متعالی‌تری بوده. مثل آزاد کردن آدمایی که به دست گروهی دیگه به استثمار کشیده می‌شدن.
۳. جنگ‌های مسلمونا همیشه با ضوابط خاصی بوده. مثل ممنوع بودن قتل زن‌ها، بچه‌ها، پیرها، تحت حمایت بودن اونایی که مسلمون می‌شن، ممنوع بودن شکستن درختای میوه، مداوای مجروحین دشمن و مواردی از این قبیل.
۴. سفر اسلام به بیشتر سرزمینای دنیا همراه با آبادانی، سطح رفاه بیشتر و مهم‌تر از همه، اعطای آزادی عمل به فرقه‌های مختلف دینی بوده.

وجود آثار هنری زیبا، معماری‌های حیرت‌انگیز و همین‌طور دست‌آوردهای علمی و ادبی فراوان در کشورهای گوناگونی

که اسلام بهشون سرزده، مثل ترکیه، اسپانیا، مصر، ایران، هند و ... همه و همه برای اثبات این ادعا کافی هستن که هدف از جنگ در اسلام بسیار متفاوت از اهداف یهودیت و مسیحیت بوده. دور از واقعیت نخواهد بود که بگیم بسیاری از موارد رشد معنوی و علمی فرقه‌های غیر اسلامی مرهون بزرگ منشی ذاتی اسلام بوده.

پی‌نوشت‌ها

۱. این واقعه نخستین قتل غیر مجاز تاریخ بود، کتاب مقدس، سفر پیدایش، باب ۴.
۲. مصدر باب استعمال از ثمر به معنای بهره‌کشی و سوءاستفاده از کسی یا چیزی.
۳. سراسر عهد قدیم در پی اثبات این مدعاس که فقط یک گروه از مردم بنده واقعی خدا هستن و خدا هم اینا رو برگزیده و قوم خودش قرار داده. سفر پیدایش، باب ۱۷، بند ۹-۵. رک: دائرةالمعارف کتاب مقدس، واژه‌های قوم و سرزمین.
۴. همان.
۵. اساساً تعبیر «هم‌نوع» در تورات به معنای «یهودی بودن» تفسیر شده، نه انسان بودن و به همین خاطر سرقت و ربا از غیر یهودی جایز شمرده شده. کتاب مقدس، سفر خروج، باب ۱۲، بند ۳۸ - ۳۵.

۶. کتاب یوشع نخستین کتاب پس از پنج سفر تورات است که مطالعه اون برای دوستن جنگ‌طلبی یهود باستان بسیار ضروری و مفیده.
- البته برای کسانی که مشکل قلبی و حساسیت عاطفی نداشته باشن!
۷. برای آگاهی از تاریخ بنی‌اسرائیل رک: ایزیدور ایستاین، یهودیت، ترجمه بهزاد سالکی.
۸. مری جو و یور، درآمدی بر مسیحیت، ترجمه حسن قنبری.
۹. عهد جدید، متی، باب ۵، بند ۴۸ - ۴۶.
۱۰. این دوره رو دوره تاریک، یا آغاز قرون وسطی نامیدن.
۱۱. همچون ماجرای گالیله که به دستور «کاردینال روبرت بیلارمن» مجبور به توبه و انکار حقایق علمی شد.
۱۲. کشیش هوس یکی از این افراد بود که توی سال ۱۴۱۵ به دستور شورای کلیسا بر چوبه دار سوزانده شد.